



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۶/۰۷/۰۷

ملک ستیز

رقابت کاخ‌های طلایی یا افول دیپلوماسی

شیخ نشینان خاورمیانه در سفرهای دونالد ترامپ، با استقبال‌های مجلل، عملاً وارد مسابقه‌ای از تجمل‌گرایی، نمایش ثروت و خودنمایی از کاخ‌های طلایی و نقره‌ای شدند. اکنون رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نیز به این رقابت پیوسته است. سفر ترامپ به ترکیه بیش از آنکه یک رویداد دیپلماتیک باشد، به صحنه‌ای برای نمایش قدرت، شکوه، ثروت و نفوذ سیاسی شخصی او تبدیل شده است.

این پرسش مطرح است که چرا ترامپ تا این اندازه با چنین مظاهر تجمل و نمایش‌های باشکوه شناخته می‌شود؟ پاسخ را باید در شخصیت سیاسی و فرهنگ رهبری او جست‌وجو کرد. او همواره کوشیده است تصویر خودخواهانه از خود، انحصار، برتری‌جویی و تجمل را در عرصه سیاست، به‌ویژه در این منطقه حساس جهان، برجسته سازد. اما آیا این همه افراط در تشریفات و تجمل با عرف و اصول دیپلماتیک سازگار است؟ دیپلوماسی اقتضا می‌کند که دولت‌ها در چارچوب پروتکل‌های رسمی از رهبران کشورها استقبال کنند؛ پروتوکول‌هایی که هدفشان احترام متقابل، رعایت جایگاه‌های رسمی و فراهم کردن فضایی مناسب برای گفت‌وگوهای سازنده است، نه رقابت در نمایش ثروت و تجمل.

در مقابل، سفرهای ترامپ بارها این اصول را تحت‌الشعاع قرار داده است. از این منظر، او سیاستمداری است که به نمایش شکوه و تجمل اهمیت ویژه می‌دهد و برخی رهبران خاورمیانه و ترکیه نیز با برگزاری استقبال‌های بی‌سابقه و پرزرق‌وبرق، بیش از آنکه به اصول دیپلوماسی پایبند باشند، به نوعی تملق و شخصیت‌محوری دامن می‌زنند. در واقع، کیش شخصیت، چاپلوسی و تملق اطرافیان نسبت به رهبران سیاسی، نمایش‌های پرزرق‌وبرق و هزینه‌های گزاف برای چنین سفرهایی، نه تنها بر اعتبار و جایگاه آنان نمی‌افزاید، بلکه احساس ناخشنودی، بی‌اعتمادی و حتی نفرت را در میان افکار عمومی نسبت به این رهبران تقویت می‌کند. تاریخ نشان داده است که مشروعیت سیاسی از نمایش تجمل و تشریفات افراطی به دست نمی‌آید، بلکه از خدمت به مردم، فروتنی و پایبندی به اصول حکمرانی مسئولانه سرچشمه می‌گیرد.

آنچه بیش از همه نگران‌کننده است، الگوبرداری شماری از رهبران کشورهای فقیر و در حال توسعه از این شیوه نمایش‌محور در دیپلوماسی است. در بسیاری از این کشورها، استقبال‌های پرزرق‌وبرق، تشریفات افراطی و نمایش‌های پرهزینه، به بخشی از فرهنگ سیاسی تبدیل شده است. پدیده‌ای که برای میلیون‌ها شهروندی که با فقر، بیکاری و محرومیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند، پرسش‌های جدی و تأمل‌برانگیزی ایجاد می‌کند.

چگونه ممکن است دولتی‌هایی که هنوز قادر نیستند نیازهای اولیه بخش بزرگی از جمعیت خود را تأمین کنند، برای سفرهای رهبران و مراسم استقبال از مهمانان خارجی، صدها هزار یا حتی میلیون‌ها دلار هزینه کنند؟ چگونه کشورهایی که همچنان به کمک‌های اقتصادی، وام‌ها و حمایت کشورهای توسعه‌یافته وابسته‌اند، در عرصه تشریفات و تجمل می‌کوشند از الگوهای پرهزینه تقلید کنند؟

بدیهی است که ایالات متحده، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، از توان مالی متفاوتی برخوردار است. اما حتی در آنجا نیز هزینه‌های دولتی همواره موضوع نظارت، نقد عمومی و پاسخ‌گویی سیاسی است. مسئله اصلی این نیست که یک کشور ثروتمند چه میزان برای تشریفات هزینه می‌کند؛ بلکه این است که آیا چنین الگویی برای کشورهای که با بحران‌های اقتصادی، فقر گسترده و وابستگی مالی روبه‌رو هستند، منطقی و قابل دفاع است؟

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

هنگامی که تجمل‌گرایی و نمایش ثروت جایگزین سادگی، وقار و کارآمدی در دیپلوماسی شود، فلسفه اصلی روابط دیپلماتیک نیز آسیب می‌بیند. دیپلوماسی باید عرصه گفت‌وگو، اعتمادسازی و تأمین منافع ملی باشد، نه صحنه‌ای برای رقابت در زرق‌وبرق، خودنمایی و شخصیت‌پرستی. اگر این روند ادامه یابد، نه‌تنها شأن دیپلوماسی تضعیف خواهد شد، بلکه این تصور نیز تقویت می‌شود که برخی دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های ضعیف‌تر، به جای نمایش کارآمدی و توسعه، در پی نمایش شکوهی هستند که با واقعیت زندگی شهروندانشان همخوانی ندارد.



[لینک آرشیف: مطالب نشر شده محترم ملک ستیز](#)